

واکنش نرم، پای افغانستان را به پاکستان کشانید

عبدالرحمن فهیمی



برای شان هدف بوده، از امنیت کامل برخوردار بوده اند. مرگ ملا محمد عمر در پاکستان و نیز برگزاری جلسه های هیئت رهبری این گروه به منظور گزینش رهبر جدید در این کشور، حکایت گر این است که پاکستان مکان امن برای طالبان تهدید کننده امنیت افغانستان بوده و است

اکنون نیز به نظر می رسد که سیاسیون و نظامیان پاکستانی، با ربانی، استانکزی و نبیل خوش بخوانند و همان روضه های شیرین سال های گذشته را تکرار کنند؛ ما هم قربانی تروریزم بوده ایم و هستیم و تلاش کرده ایم و می کنیم که در کنار افغانستان مبارزه نماییم.

به نظر این نگارگر، حسن امتیازگیری پاکستان اشباع شدنی نیست و طالبان نیز مذاکره پذیر نیستند. پس بهتر خواهد بود که با حمایت مردم و جامعه جهانی کمر همت بسته و بدون روحیه امتیازدهی هر آن چه که صادر می شود سرکوب گردد.

و اما اگر گفت و گو در مورد مبارزه مشترک در برابر تروریزم هدف باشد، گرچه که مذاکره و گفت و گو در اصل پدیده شایسته و مورد پذیرش همه است و گفت و گو با طرف پاکستانی را نیز نمی توان خالی از فایده تصور کرد، اما، پاکستان در پی مبارزه مشترک یا تروریزم سستی نیست. این کشور همواره از مبارزه در برابر تروریزم سخنگو زده است.

این پدیده خطرناک و ویروس مانند را آن گونه که در برابر امنیت افغانستان و منطقه تهدید جدی دانسته در برابر امنیت خود نیز به عنوان تهدید مطرح کرده است، اما، هیچ گاهی شعار اش را به عمل و واقعیت تبدیل نکرده است. اگر که گاهی ارتش اش را به سمت مناطق قیابلی می فرستد، تروریزم را سرکوب کرده است، آن دسته از تروریستان را سرکوب کرده که برای امنیت خود اش تهدید بوده و جهت تفنگ شان به سمت خود اش بوده است. اما تروریستان که فقط افغانستان

گفت که نیاز به هدر دادن وقت و هزینه کردن نیست. انگار را می شود از رهگذر احضار سفیر آن کشور به وزارت خارجه و یا مطرح کردن توسط سفیر مان در پاکستان، انجام داد و تا حدی این امر را رییس جمهور غنی خود در نشست مطبوعاتی اش انجام داده است. اعلام نگرانی سیاسی در طول چهارده سال گذشته توسط همه جناح ها مطرح شده است. رییس جمهور کمری بارها در نشست های مطبوعاتی، در نشست های رسمی بین المللی در مورد افغانستان و منطقه و نیز در نشست های دوجانبه مطرح کرده است و نیز وزرای امور خارجه کشور و سران احزاب سیاسی چنین بحث را به عنوان یک نگرانی جدی مطرح کرده اند. به هر حال، گوش های پاکستانی ها از امنیتی رییس جمهور غنی فراهم کرده است. اما بحث این است که مأموریت سیاسی این سه نفر چیست؟ اعلام نگرانی و شکایت سیاسی؟ گفت و گو در مورد مبارزه با تروریزم؟.....

اگر مأموریت این ها اعلام نگرانی سیاسی و شکوه و گلایه از هم سایه است، باید

برمبنای گزارش ها، امروز آقایان صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه، مصوم استانکزی سرپرست وزارت دفاع ملی و رحمت الله نبیل رییس امنیت ملی، به پاکستان سفر می کنند. سخن گویان ریاست جمهوری دلیل سفر را گفت و گو و راه حل یابی مبنی بر این که چگونه می توان راه های عملی مبارزه با تروریزم را جست و جو کرد، عنوان کرده اند.

پس از حمله های پی در پی انتحاری؛ حمله شاه شهید، آکادمی پولیس، قصبه و جاده میدان هوایی در کابل، انتقادهای جدی مطرح گردید. اگر خواهیم تقدای مطرح شده و موجود را دسته بندی نماییم، می شود به دو دسته تقسیم بندی کرد:

اول: شهروندان، سازمان های مدنی - اجتماعی و احزاب سیاسی که نسبت به سیاست ها و رویکرد پاکستان در برابر کشور، خوش بینی سیاسی ندارند، نوک تیز انتقادهای شان را هم متوجه اسلام آباد کردند و هم متوجه ارگ نشینان، تصمیم سازان سیاسی و به ویژه رییس جمهور غنی. انتقاد از پاکستان مانند همیشه بوده است. این کشور از تندروی دینی و مذهبی در پی تحقق مقاصد و اهداف ژئواستراتژیک خودش بوده و در پی تضعیف حکومت مرکزی کابل است. از این رو، وارد همکاری نزدیک سیاسی با گروه های مسلح و شورش گر به ویژه گروه طالبان می شود و ضمن به راه انداختن جنگ ها و نبردهای کلان، که گاهی حمله های انتحاری را راه اندازی می کند. اما انتقاد از ارگ نشینان و تصمیم سازان سیاسی این است که چرا با وجود تجربه سیاسی، با خوش بینی به سیاست ها و رویکردهای پاکستان نگریست، سربازان دانش آموز نظامی را در این کشور اعزام کرد، رابطه ای سیاسی با هند را سرد کرد، عملیات های نظامی مشترک در مرزها راه انداخت و حتی پذیرفت طالبان پاکستانی که تهدید کننده امنیت ملی آن کشور است، در خاک افغانستان لانه کرده و حضور دارند. باور این دسته این است بحران کنونی نتیجه

سرمقاله

روابط تعیین کننده افغانستان و پاکستان

محمد رضا هویدا

بازی دیگر، تمام توجهات به پاکستان معطوف شده است. در گذشته تنش میان افغانستان و پاکستان عمده ترین موضوع امنیتی در کشور بوده است. دولت حامد کرزی با این موضوع آشنا بود.

هر از گاهی روابط افغانستان و پاکستان تیره می شد و زمانی نیز روابط دو کشور در حالت خوب قرار می گرفت. دولت های افغانستان و پاکستان در گذشته بی محابا یکدیگر را به دخالت در امور یکدیگر متهم می ساختند.

حکومت وحدت ملی، تغییر قابل توجهی را در روابط میان پاکستان و افغانستان به میان آورد. روابط میان دو کشور به سرعت به سوی خوب شدن رفت، دولت نوردان دو کشور بارها به دیدار یکدیگر به کابل و اسلام آباد رفتند و از یکدیگر به خوبی پذیرایی نمودند. این رفت و آمدها به گفتگوهای دوستانه امنیتی و در نهایت امضای توافق نامه ای میان سازمان امنیتی دو کشور نیز منجر گردید.

افغانستان پیشنهاداتی برای بهبودی روابط میان دو کشور داشته است و تقاضاهای مشخصی نیز از پاکستان داشته است تا امنیت و ثبات در افغانستان بهبود پیدا کند. افغانستان باور دارد که لانه ها و آشیانه های طالبان در پاکستان قرار دارد و از پاکستان خواسته تا حد اقل، جلسو فعالیت طالبان را در پاکستان بگیرد. البته پاکستان هیچ گاه اتهامات افغانستان را نمی پذیرد و عین اتهامات را در گذشته به افغانستان نسبت داده است.

اما وجود طالبان در پاکستان برای دولت افغانستان به عنوان یک اصل مسلم و غیر قابل تردید شناخته می شود. در حال حاضر انتظار دولت افغانستان از دولت پاکستان بر آورده نشده است. حوادث یک هفته اخیر به اندازه گسترده و سنگین بوده که دولت افغانستان خود را در موقعیت نامناسبی می بیند.

دولت افغانستان می خواهد تکلیف رابطه با پاکستان در مورد مسائل امنیتی و طالبان را یکسره کند. تقاضاهایی که به هر صورتی از سوی پاکستان نادیده گرفته شده است، می باید دو برابر جدی تر در نظر گرفته شود.

دولت می خواهد در سیاست خود در قبال پاکستان بازبینی کند. این بازبینی هر چند معلوم نیست چگونه است و چه موادی را احتوا می کند، اما به هر صورت نشانی از بی اعتمادی میان دو دولت است.

عکس العمل در قبال پاکستان میان ریاست اجرائیه و ریاست جمهوری مشترک است. هر دو نهاد از سرخوردگی و خستگی در مقابل پاکستان سخن رانده اند و هر دو نهاد خواستار معین شدن وضعیت رابطه با پاکستان هستند.

هیئت بلند رتبه ای که به پاکستان می رود، گفتگوهای داغ و تندی خواهد داشت. این هیئت که در ترکیب آن مقامات امنیتی بلند رتبه افغانستان قرار دارد، می بایست جدیت دولت و مردم افغانستان در مورد رابطه با پاکستان و همین طور خواسته های افغانستان از پاکستان را به دولت نوردان پاکستانی برساند. هیئت باید مشخص سازد که افغانستان بر خواسته های خود کاملاً جدی است و هیچ گونه تعلل و مسامحه و اهمالی را نمی پذیرد. هیئت باید شواهد و نشانه هایی که طرف پاکستانی را قانع بسازد، به آنها نشان دهد.

هنیت افغانستانی راه های جدی حل بحران بی اعتمادی میان دو کشور را باید با طرف پاکستانی در میان بگذارد.

روابط میان پاکستان و افغانستان از مشکلات عدیده ای رنج می برد. این مشکلات باید به شکل درست و اساسی بازبینی و بررسی شوند.

سپس اقدامات لازم برای غلبه بر بحران بی اعتمادی میان دو کشور روی دست گرفته شود. دولت های افغانستان و پاکستان برای رسیدن به ثبات و امنیت به همکاری یکدیگر نیاز دارند. مطمئناً مشکلات امنیتی میان دو کشور آینده هر دو کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بی توجهی به این موضوع زمینه ساز ادامه تنش در آینده خواهد شد که مطمئناً برای هر دو کشور گران تمام خواهد شد. عکس العمل پاکستان در این مورد مطمئناً آینده روابط با این کشور را تعیین خواهد کرد.

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلمانیان / قسمت چهارم

روند تا مفهوم روش پردازش صنعتی را در شکلی انتزاعی به مثابه سلطه ای محض بر طبیعت معرفی کنند. حال روش پردازش صنعتی اثر چه در مورد استفاده پذیر ساختن آثار هنری مستعد مطرح باشد، چه جدا از مقاصد دیگر تنها در حالت مفهومی محض. نمایش متنوع و امپرسیونیسم در حالی که روند صنعتی و ماشینی سازی را به میزان خاصی تا حد

رونی شبه ترکیب موزیک با نقاشی، همین روند موجود در نمایش متنوع و بازسازی کرده است و کلود دبوسی [۱۸۶۸-۱۹۱۸] بی جهت، پرده های از یک نمایش متنوع را به عنوان دستمایه آهنگ سازی خود انتخاب نکرد. شنونده بی تجربه ای چنین کاری تمایل خواهد داشت در مورد او که بخته ترسین قطعه های پیانو نوازی خود را «پیش درآمدها» (Préludes)

داشته باشد. از این رو، تماشاگر همیشه عقب تر از زمان اتفاق صحنه، باز هم هرگز دیرتر از حد لازم آن را تجربه نمی کند. او از هر جا آغاز کند، به درون واقعه پرتاب می شود، درست مانند کسی که پس از دیگری چرخ فلک سوار می شود. علاوه بر این، سینما نیز در سر آغازهای خود به همین ترتیب، شبیه غرقه ای تیراندازی بود، البته هنگام ورود تماشاگر آن طور که بخت در میان ازدحام او را یاری می کرد. ساختار سینما به این ترتیب طراحی شده بود. هر چند فیلم های اصلی برای چنان سینمایی بیش از اندازه مناسب بودند، اما با وجود این، به دلایل الزام های فنی و به خصوص نمونه محصولات آپرومندر سینما، این هنر بار دیگر در همان جهت به سمت کار جدید پیش رفته است. با این حال، ترنسدت ترتیب زمانی در نمایش متنوع در گام نخست نه برای مخاطب، بلکه در مورد خود زمان به کار گرفته می شود. با این ویژگی، نمایش متنوع پیشاپیش تکرار مستحور کننده ای روند صنعتی ای بود که در آن، امر همیشه-یکسانی در گذر زمان باز تولید می شود، تمثیلی از اوج سرمایه داری که آن را نظام مسلط نشان می دهد، در حالی که همین تمثیل ضرورت آزادی بازی و مشارکت در روند سرمایه داری را در خود دارد. تضاد آنجا است که در عصر فوق صنعتی حاضر، هنوز چیزی شبیه تاریخ وجود دارد، در حالی که الگوهای نخستین آن، نخستین دودکش [کارخانه] و نخستین کلاه شاپو [کارگران]، پیشاپیش ایندهی مهار فنی زمان را پیش می کشیدند، که در آن تاریخ در سکون می ماند. فراواقع گرایی از کهنگی امر بی تاریخی تغذیه می کند که خود را پدیده های منسوخ نشان می دهد، طوری که گویا فاجعه های آن را نابود کرده است. نمایش متنوع این تضاد نهفته در سرمایه داری را جشن می گیرد. هر پرده نمایش، ماجرای آن، به نوعی الگوی تکرار مکانیکی تبدیل می شود و به این ترتیب خود را از تاریخ مندی باطل اش می رهند. این حقیقت سحرزده و فریبنده در مورد نمایش متنوع و برتری آن بر ظاهر تاریخی ای که هنر بورژوازی حتا در اوج دوران صنعتی نیز آن را رها نمی کند، توانست نویسنده گانی چون فرانک و دکیند [۱۸۶۴-۱۹۲۴]، ژان کوکتو [۱۸۹۵-۱۹۶۳]، گیوم آپولینر [۱۸۷۱-۱۹۱۸] و شیفته و وادار به ستایش نمایش متنوع کنند.

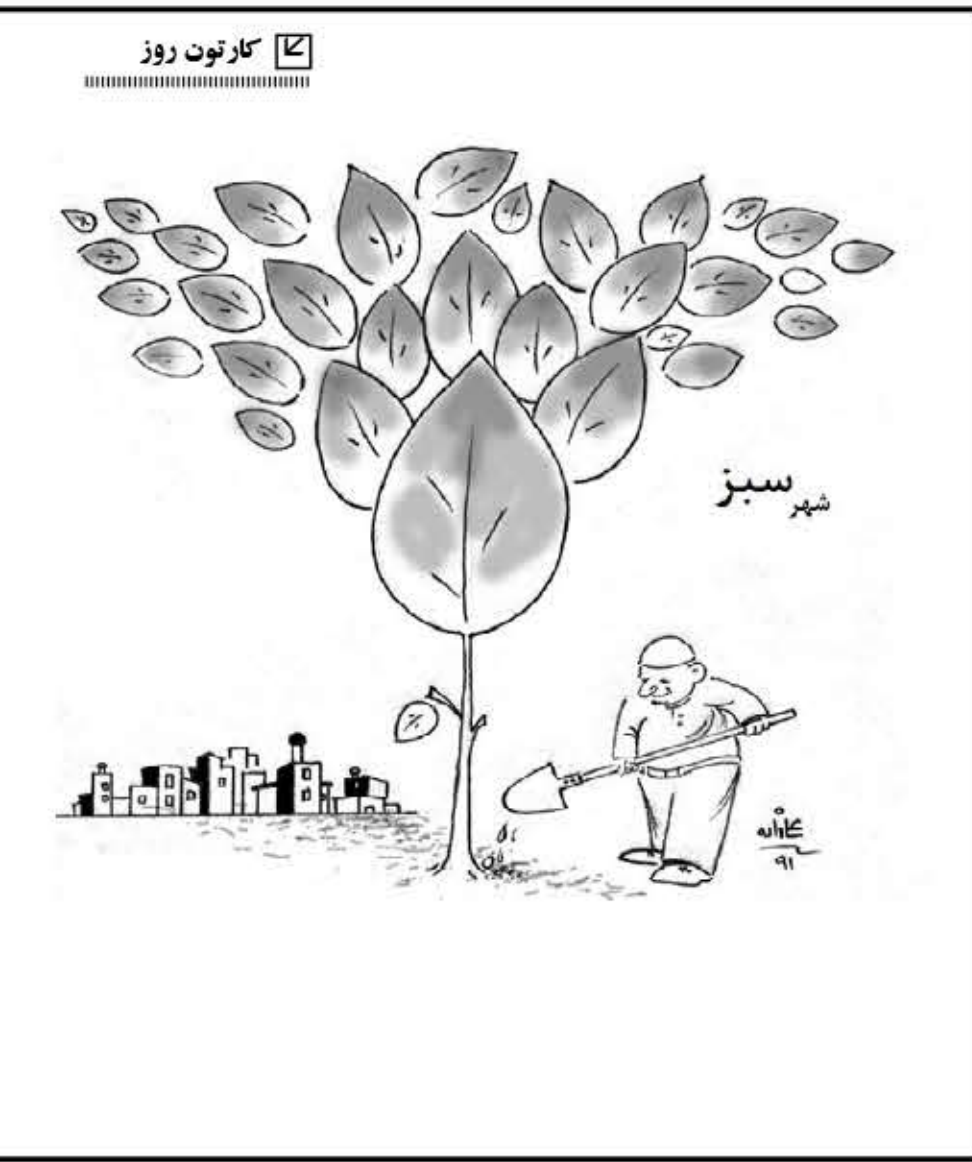
باید تماشاگر را تا آن حد برای چشم دوختن به رنج ناتوان بینگارند که او را در تفکر چنین می بندارند. اما اساسی تر از تصدیق آشکار [آسایش طلبی برای مخاطب]، پیش معینی تکلیف هر نوع تنشی با «پایان شاه» داستان است که صحنه های پایانی از ماهیت ظاهری آن پرده برمی دارند. هر بخش فرهنگ توده طبق ساختار خود، در همان حد بی تاریخ است که جهان سراسر-سازمان یافته ای فردا می طلبد. نمایش متنوع یا وارپتبه (variété) که هر دو فرم شاخص فرهنگ توده یعنی فیلم و موسیقی جواز از بعد خاستگاه شان از تکنیک های آن سرچشمه می گیرند، الگوی مناسب برای آن جهان را به دست می دهند. تصادفی نیست که نمایش متنوع را در گذشته نویسندگان پیشرویی شوگهوند توصیف کردند که از آثار هنری آزاد بورژوازی انتقاد می کردند، کار هنری ای که ایده کشمکش و درگیری ویژگی آن بود. آن چه هر پرده از نمایش متنوع با بارز می کرد، آن چه برای نمونه خود را به کودکی تحمیل می کرد که نخستین بار به تماشاگر نمایش متنوع می رفت، این نکته بود: هر بار در چنین نمایشی همزمان اتفاق هایی می افتند و در اصل هیچ اتفاقی نمی افتد. هر پرده نمایش متنوع به خصوص در مورد ترنندهای دلکها و تردست ها در اصل نوعی تعلیق است. پس از مدتی آشکار می شود که در واقع اصل موضوع مورد انتظار درست همین بوده است: تعلیق و تطبیق انتظاراتی که در آن صحنه می گذرد و تا زمانی ادامه پیدا می کند که تردست توب های خود را به رقص درمی آورد. تماشاگر در انتظار چیزی است که در اصل همان انتظار بوده است. در نمایش متنوع هر بار کف زدن تماشاگران اندکی در ترس یعنی زمانی به گوش می رسد که تماشاگر متوجه می شود آن چه نخست به عنوان پیش پرده ای رویدادی دیگر دریاخته، همان اتفاقی بوده که در مورد وقوع اش فریب خورده است. شگرد نمایش متنوع در همین فریب تماشاگر با دستکاری ترتیب زمانی، و بازی و خالی گذاشتن و پنهان کردن لحظه است. درست مانند رویداد صحنه ای نمایش که وقتی یک بار وقوع اش به پایان می رسد، مدام می خواهد خصلت آغاز اجراء، ثبات و حالتی منجمد یا تابلوگونه به خود بگیرد و وراى توقف موسیقی یا هیاهوی کوبش طبل در صحنه نمایش، حالت تعویق نمادین جریسان نمایش را



موضوع اصلی خود اولویت بخشیدند، در پی آن بودند که -مانند چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید»- به آن ضرب شستی نشان بدهند و شوک ناشی از همیشه-یکسانی روند ماشینی را به خنده ای برگسون وار [۱۹۰۰] به آن روند، تبدیل کنند. اما فرهنگ توده گرفتار سرنوشت قانن آن را [به دلیل ماشینی سازی] درونی و همزمان آن را پنهان می کند. این فرهنگ در اصل بی کشمکش به بیراهه ای خود ادامه می دهد و کشمکش ها را درمان می کند: با این روش، آن ها را تسلیم امر بی تنشی می کند. اینجا، نمایش واقعیت زنده به فن تعلیق توسعه ای آن تبدیل می شود و به این ترتیب در جانب همان سکون و قلمرو ایستایی قرار می گیرد که جوهره ی نمایش متنوع است. این پدیده در آن دسته از بخش های تولیدی فرهنگ به چشم می خورد که در آن ها هنر پویای بورژوازی را در آن ها به سازگاری وامی دارند.

و «پاره ها» (Études) می نامید، تمام کار را پیش پرده ای در نظر بگیرد و در انتظار ببرد قطعه ای اصلی چه زمانی آغاز می شود، وضعی شبیه به صحنه ای آتش بازی که نام آخرین قطعه [۱۹۲۹] از مجموعه-آهنگ های معروف «پیش درآمدها» دبوسی نیز همین نام را به خود گرفته است. جاز نیز به مثابه ای صورتی که میراث موسیقی امپرسیونیستی را تحت مقاصد فرهنگ توده مقوله بندی می کند، به این سبک موسیقی در هیچ جنبه های مانند این مورد وفادار نمانده: این واقعیت جلب توجه می کند که در یک قطعه موسیقی جاز همه ای لحظه های توالی زمانی کموبیش با یکدیگر قابل جایگزینی هستند، توسعه ای طی آن ها صورت نمی گیرد و لحظه های پسین قطعه از نظر تجربه هنر برای مخاطب حتا ذره ای شیفته و وادار به ستایش نمایش متنوع آن نیستند. نمایش های متنوع مانند مکتب امپرسیونیسم تلاش های عینی ای

باید تماشاگر را تا آن حد برای چشم دوختن به رنج ناتوان بینگارند که او را در تفکر چنین می بندارند. اما اساسی تر از تصدیق آشکار [آسایش طلبی برای مخاطب]، پیش معینی تکلیف هر نوع تنشی با «پایان شاه» داستان است که صحنه های پایانی از ماهیت ظاهری آن پرده برمی دارند. هر بخش فرهنگ توده طبق ساختار خود، در همان حد بی تاریخ است که جهان سراسر-سازمان یافته ای فردا می طلبد. نمایش متنوع یا وارپتبه (variété) که هر دو فرم شاخص فرهنگ توده یعنی فیلم و موسیقی جواز از بعد خاستگاه شان از تکنیک های آن سرچشمه می گیرند، الگوی مناسب برای آن جهان را به دست می دهند. تصادفی نیست که نمایش متنوع را در گذشته نویسندگان پیشرویی شوگهوند توصیف کردند که از آثار هنری آزاد بورژوازی انتقاد می کردند، کار هنری ای که ایده کشمکش و درگیری ویژگی آن بود. آن چه هر پرده از نمایش متنوع با بارز می کرد، آن چه برای نمونه خود را به کودکی تحمیل می کرد که نخستین بار به تماشاگر نمایش متنوع می رفت، این نکته بود: هر بار در چنین نمایشی همزمان اتفاق هایی می افتند و در اصل هیچ اتفاقی نمی افتد. هر پرده نمایش متنوع به خصوص در مورد ترنندهای دلکها و تردست ها در اصل نوعی تعلیق است. پس از مدتی آشکار می شود که در واقع اصل موضوع مورد انتظار درست همین بوده است: تعلیق و تطبیق انتظاراتی که در آن صحنه می گذرد و تا زمانی ادامه پیدا می کند که تردست توب های خود را به رقص درمی آورد. تماشاگر در انتظار چیزی است که در اصل همان انتظار بوده است. در نمایش متنوع هر بار کف زدن تماشاگران اندکی در ترس یعنی زمانی به گوش می رسد که تماشاگر متوجه می شود آن چه نخست به عنوان پیش پرده ای رویدادی دیگر دریاخته، همان اتفاقی بوده که در مورد وقوع اش فریب خورده است. شگرد نمایش متنوع در همین فریب تماشاگر با دستکاری ترتیب زمانی، و بازی و خالی گذاشتن و پنهان کردن لحظه است. درست مانند رویداد صحنه ای نمایش که وقتی یک بار وقوع اش به پایان می رسد، مدام می خواهد خصلت آغاز اجراء، ثبات و حالتی منجمد یا تابلوگونه به خود بگیرد و وراى توقف موسیقی یا هیاهوی کوبش طبل در صحنه نمایش، حالت تعویق نمادین جریسان نمایش را



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

© صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
© مدیر مسول: محمد رضا هویدا
© سردبیر: حفیظ الله زکی
© کاریکا توریست: خالق علی زاده
© دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
© مسول وب سایت: مهدی صالحی
© آدرس: کابل، شهر ک امید سبز، فلز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

